

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد هارون خیل شعشی

۲۲ نومبر ۲۰۱۱

اسارتنامه اشغالگران را نقش بر آب سازیم!

نمایشنامه مضحک و فضیحت بار مزدوران خاین و وطنفروش بالاخره به پایان رسید؛ و طبق برنامه قبلی آنچه بادران امریکائی شان دیکته نموده بودند، طوطی وار بر زبان رانند؛ و بدین ترتیب کشور آزاده، سربلند و پرغرور ما، افغانستان تاریخی، یک بار دیگر با اوضاع و احوال تحدیدنامه و تحمیلنامه های نظیر لاهور، کندهار، گندمک و دیورند مواجه گردیده است.

اسارتنامه تحمیل شده مهاجمان امریکائی را بدون شک اعلام جنگ تمام عیار علیه همه آزادیخواهان، میهن دوستان و روشنفکران راستین این خانه مشترک و پُر افتخار باید خواند؛ زیرا حضور لشکرگاه های دایمی تفکداران سفاک و فتنه گر امریکائی، نه تنها حاکمیت ملی، آزادی و استقلال سیاسی ما را با محدودیت های جدی مواجه ساخته؛ و ارزش های فرهنگی و اعتقادی ما را مورد تاخت و تاز قرار خواهد داد، بلکه تمامیت ارضی و وجود این خطه زنجیرشکن تاریخی را نیز تا سرحد تجزیه و نابودی، به مخاطره خواهد کشاند.

البته، مخالفت شخص من و سایر فرزندان آزاده، سربلند و پرغرور این وطن علیه اسارتنامه اشغالگران امریکائی، خلاف جواسیس و مزدوران ایران، پاکستان، روسیه، چین و سایر کشور های مداخله گر منطقه، که به حکم بادران شان دست به چنین مخالفت و اعتراض زده، صرف و صرف برای دفاع از آزادی، استقلال، شرف و ناموس این خطه غرور آفرین است و بس؛ چه تداوم حضور نیرو های امریکائی در افغانستان قطعاً و ابداً به منظور دفاع از تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و حاکمیت ملی ما نبوده، بلکه به خاطر تحقق پلان های هلاکتبار استعماری می باشد، که به علاوه افغانستان، امنیت و ثبات سایر کشور های منطقه را نیز در معرض تهدید جدی قرار خواهد داد. اگر حضور عساکر امریکائی و ائتلافی واقعاً برای تأمین صلح و امنیت، استقرار نظام عادلانه، تحقق دموکراسی و حقوق بشر، حاکمیت قانون و رفاه اجتماعی مردم ما می بود، در ده سال گذشته باید به نتایج ملموس آن دست می یافتیم؛ حال آن که حضور بیش از یک صد و پنجاه هزار عسکر تا دندان مسلح جمع ده ها هزار نیروی غیر ملبس به یونیفورم نظامی (کمپنی های امنیتی، استخباراتی و لوژستیک) طی ده سال گذشته برای مردم زجر کشیده ما جز جنگ، خون ریزی، ویرانگری، اشک و ماتم به ارمغان نیاورد. جنایتکاران، غارتگران، جاسوسان و فساد پیشگان

از نخستین روز تجاوز تا حال بر شانه های مردم مظلوم و بیچاره ما سوار اند؛ و این وضع فلاکتبار در سالهای آینده حضور نیروهای امریکائی و ائتلافی، به همین سان ادامه خواهد یافت. هموطنان ما شاهد اند، که چند روز قبل نظامیان پاکستانی آشکارا مناطق سرحدی ما را هدف حملات توپخانه و سایر سلاحهای ثقیله خویش قرار دادند، ولی نیروهای فتنه افکن امریکائی بدون کوچکترین مداخله در دفع و طرد آن، به تماشای این تجاوز و قیحانه نظامیان پاکستانی پرداختند. از این مثال کوچک با آسانی استنتاج می گردد، که نیرو های امریکائی و ائتلافی هیچ گاه برای تأمین امنیت و ثبات به اینجا نیامده اند؛ و در آینده نیز نه تنها صلح و امنیت به ارمغان نخواهند آورد، بلکه این خانه جنگ زده و ویران شده را به کانون خطرناک رقابت های منطقه ئی مبدل خواهند ساخت، که در آتش آن همه هست و بود ما برباد خواهد رفت.

این عاجز به سان سایر آزادیخواهان و وطندوستان صدیق کشور قبلاً مقالات مبسوطی پیرامون عزایم شوم و پیامد های خطرناک حضور عساکر امریکائی- این پیام آوران جنگ، خونریزی، وحشت و زورگویی - در افغانستان و منطقه، به رشته تحریر در آورده ام، که در سایت های ملی گرا و آزادی پرور افغان نظیر «[لر او بر](#)»، «[افغانستان آزاد](#) - [آزاد افغانستان](#)» و «[بینوا](#)» ضمن بخش های متعددی به نشر رسیده؛ و خوشبختانه جزوه های جداگانه آن نیز با استفاده از لینک زیرین، در هر دو زبان عزیز کشور (پښتو و دری)، قابل دریافت است:

<http://larawbar.org/details.php?id=29121&date=2011-11-05>

اما در این اختصار باید یکبار دیگر تکرار کرد، که پلان اشغال افغانستان توسط عساکر امریکائی سالها قبل از وقوع حادثه تروریستی یازده سپتمبر ۲۰۰۱م، طرح ریزی شده بود. طراحان سیاست های استعماری دولت امریکا سالها قبل بدین نتیجه رسیده بوده اند، که ادامه یکه تازی امریکا در عرصه بین المللی بیش از همه مستلزم تسلط بر منابع انرژی و سایر ثروت های زیر زمینی جهان است. یوریشا به مثابه غنی ترین منطقه مواد سوخت و سایر منابع زیر زمینی جهان، سالها قبل جایگاه خاص و مهمی در محاسبات طراحان سیاست های جهانگشائی دولت امریکا داشته است.

اوضاع در حال تغییر سیاسی، اقتصادی و ستراتیژیک این منطقه اکنون در برنامه پیشین نیرو های امریکائی برای تهاجم و اشغال دایمی افغانستان، اهداف دیگری را نیز شامل ساخته است. ظهور چین به عنوان دومین ابر قدرت جهانی و نزدیکی آن به دولت روسیه، به منزله قدرت بزرگ نظامی - اقتصادی منطقه در چهارچوب سازمان همکاری شانگهای، تلاش های رژیم آخوندی ایران جهت دستیابی به سلاح های اتمی، تشویش و نگرانی در خصوص نگهداری مطمئنانه سلاحهای هسته ئی پاکستان، به قدرت رساندن مزدوران و جاسوسان درکشور های منطقه، سرکوب جنبش های ملی و آزادیبخش، گسترش نظام سود و سرمایه وبسا اهداف خورد و کوچک دیگر همه از مسایلی اند، که طی سالهای آخر به علاوه سیطره بر منابع سوختی و ثروت های زیر زمینی در محاسبات و معادلات منطقه ئی استعمارگران امریکائی، اهمیت خاصی کسب نموده است. البته، اهمیت پلانهای اقتصادی و ستراتیژیک امریکا همواره در حال تغییر و تبدیل است. چنانکه درین روز ها منطقه آسیا - پاسیفیک نیز به عنوان ساحه نفوذ ستراتیژیک - اقتصادی ایالات متحده امریکا در عرصه جهانی اعلام شده است.

ازین رو، تداوم حضور نیروهای امریکائی در افغانستان از شرایط و نیازمندی های اساسی نقشه های استعماری دراز مدت حاکمان سیاسی و نظامی دولت امریکا به حساب می آید. امریکا و شرکای غربی آن برای تحقق اهداف دراز مدت سیاسی، اقتصادی و ستراتیژیک خود در افغانستان و منطقه با زندگی هزاران نظامی خویش بازی نمودند؛ و با هدر دادن میلیارد های دالر در این جنگ تجاوزگرانه و غیر انسانی، دولت های خویش را در معرض

ورشکستگی سیاسی و اقتصادی قرار داده اند. علاوه بر این، مهاجمان امریکائی برای تحقق پلانهای غارتگرانه شان در افغانستان و منطقه از ده سال بدینسو بر گروه های جنایتکاران، جاسوسان، تاراجگران، فساد پیشگان، انقیاد طلبان و انواع دیگر جیره خوران و تفاله خوران استعماری، وسیعاً سرمایه گذاری نموده اند؛ و اینک همین گروه های وطنفروش، جنایتکار، چپاولگر و فاسد درکشور با تدویر اجتماع تقلبی و نمایشی موسوم به «لویه جرگه» زمینه مساعدی برای تأیید و تصویب این اسارتنامه خاینانه به وجود آورد. اما سؤال اساسی اینست، که چنین «لویه دوکه» یا فریب کلان را چگونه می توان «لویه جرگه» - مؤسسه ارزشمند و پُر افتخار حقوقی - سیاسی این مهد تاریخی عنوان گذاشت؟! حاشا و ایدا. به دلیلی که میهن جنگ زده و بلاکشیده ما از ده سال تمام میدان جنگ و خون ریزی و تباهکاری است. حکومت جنایت پیشگان، چپاولگران، مزدوران و انقیاد طلبان با آن همه حمایت سیاسی و نظامی و اقتصادی مهاجمان بیگانه نه بر سرتاسر خاک افغانستان حاکمیت داشته؛ و نه راهی به دلها و مغز های مردم داغیده و بیچاره ما دارند. علاوه بر این، میلیون ها هموطن ما تا حال بنابه نبود صلح، امنیت، حکومت قانونی، کار و روزگار و سایر نابسامانی های ناشی از حضور اشغالگران و حکومت فاسد کرسی در دیار مهاجرت و جلاوطنی به سر می برند. حکومت کرسی و متحدین جنایتکارش به هیچ وجه نمی توانند حتی از پنج فیصد نفوس کشور نمایندگی کنند. بنابراین، فیصله در باره همچو مسأله خطیر ملی و میهنی از صلاحیت حکومت دست نشانده و تحمیل شده کرسی، به کلی بالاتر است.

با در نظر داشت همچو واقعیت های انکار ناپذیر به هیچ وجه نمی توان «لویه دوکه» حکومت مزدورکری را مظهر اراده مردم افغانستان دانست؟! مگر ممکن است لویه جرگه ای را سراغ کرد، که در آن ناموس وطن عزیز را به معامله و مزایده گذاشته؛ و از میان دو هزار و سی (۲۰۳۰) عضو آن حتی یک افغان باشاهمت پیدا نشود تا جنایات اشغالگران امریکائی را به باد انتقاد گرفته؛ و ضرورت چنین اسارتنامه خاینانه را از بیخ و بنیاد مورد اعتراض قرار دهد؟! از همین جهت «لویه دوکه» حکومت کرسی، نه اراده مردم آزاده، سربلند و پرغرور ما، بلکه اراده مهاجمان و اشغالگران امریکائی را تمثیل کرده؛ و توهین و پوزخند آشکار به عنعنات پسندیده پدران و نیاکان آزاده ما محسوب می گردد.

اعضای اجتماع تقلبی و فرمایشی حکومت کرسی در واقع کاری کردند، که مکلف به اجرای آن بودند. اشغالگران امریکائی و متحدین ائتلافی، با همه امکانات سیاسی، نظامی و اقتصادی خویش، علی رغم همه جنایات ها، خیانت ها، بی کفایتی ها و فساد گسترده، ظرف ده سال گذشته، از این مزدوران و کاسه لیسان استعمار دفاع و حمایت نمودند. بدون شک، این افراد، گروه ها و گروهک های خاین و نابکار نیز برای حراست و تدوام منافع ضد انسانی خویش به حضور بداران امریکائی و ائتلافی شان اشد ضرورت دارند. تصور بکنید، که مردم زجر کشیده و داغیده ما در صورت نبود فرعونان امریکائی و ائتلافی و دار و دسته های جنایتکار داخلی شان با عاملان تجاوز، خون ریزی، ویرانگری، ظلم، بی عدالتی، بی حرمتی و فساد در وطن چه برخوردی خواهند کرد؟! روی همین دلیل است، که منافع نیرو های اشغالگر و مزدوران گوناگون شان در افغانستان، پیوند عمیق و ناگسستنی دارد.

البته، مخالفت ظاهری ایجنت های سازمان های جاسوسی ایران، پاکستان، روسیه و غیره کشور هابا تدویر «لویه دوکه» کرسی هیچ گاه به معنی مخالفت و اعتراض در برابر حضور دایمی عساکر مهاجم امریکائی نبوده است؛ چه همه ما می دانیم و به چشم سر مشاهده کردیم، که افراد و گروه های مزدور نظیر عبدالله عبدالله، احمد ضیاء مسعود، امرالله صالح، رشید دوستم، حاجی محمد محقق، حنیف اتمر و غیره از زمره جنایتکاران، وطنفروشان و مزدورانی اند، که با بدرقه طیارات بی ۵۲ و عساکر امریکائی وارد کشور ما شدند؛ و در میهن فروشی، جنایت

گستری، چپاولگری و فساد پیشگی حتماً از گروه خاین و فاسد کرزی و شرکاء هم به مراتب پیشی و تردستی دارند. مخالفت این افراد و گروه‌ها با «لویه دوکه» کرزی در واقع نه مخالفت و اعتراض در برابر لشکرگاه‌های اسارت بار نیروهای اشغالگر امریکائی، بلکه ناشی از کم توجهی و کم لطفی موقتی بادران خارجی شان بوده است.

کرزی بزدل در جلسه افتتاحیه «لویه دوکه» خود و گروه بگیش را «شیران» خطاب کرد؛ حال آن که هموطنان نجیب ما گریختن‌های این «شیران» کاغذی و پنبه‌ئی را خوب به خاطر دارند. کرزی ترسو و بزدل هنوز دو سلیلی افراد مسعود و دوستم را تحمل نکرده بود، که با محض آغاز درگیری میان گروه‌های جنایتکار و تباہکار در جنگ‌های قدرت طلبانه کابل، پا به فرار گذاشت. «شیران» کاغذی و پنبه‌ئی پنجشیر نیز مانند کرزی ترسوک، به مجرد نزدیک شدن طالبان به دروازه‌های کابل، راه خواجه بهاء الدین و کولاب را در پیش گرفتند. سایر «شیران» تنظیمی نیز به زودی سر از پشاور، اسلام‌آباد، مشهد، تهران، دبی، ممالک اروپائی، کانادا، استرالیا و امریکا بر افراشتند. این متواری شدن به حال خود، مگر دویدن‌ها و گریختن‌های ثبت شده این «شیران» را حین مراسم رسم گذشت، هیچ کس فراموش نخواهد کرد. نه تنها همه هموطنان ما، بلکه همه جهانیان از ورای نشرات تلویزیونی تماشا کردند، که کرزی بزدل با شنیدن دو فیر مرمی طالبان در یک چشم به هم زدن، صحنه را ترک کرده؛ خود را نزد بادران امریکائی اش، به ارگ رساند؛ اما رحیم وردگ - این فیل بی خرطوم را باید سزاوار مدال طلائی در این مسابقه فراموش ناشدنی دانست، که با وزن فیل از همه گریختگان مراسم جلو افتاد. وقتی حامد کرزی خود و شرکای جنایتکارش را «شیران» عنوان می‌گذارد، آیا گهی از خود پرسیده است، که شیران واقعی هیچ‌گاه به زور توپ و تانک بیگانه‌ها بر تاج و تخت کشور تکیه نمی‌زنند. کرزی باید از خود می‌پرسید، کسی که از ارگ تا باغ بالا یعنی فاصله چهار - پنج کیلو متر را با بدرقه هلیکوپتر هاسفر می‌کند، می‌تواند لقب «شیر» به خود اختصاص نماید؟ آیا کسانی که به خاطر مصونیت خویش در یک جلسه نصف شهر را مسدود می‌سازند، نیز از زمره «شیران» اند؟! روباه صفتان و موش صفتان مزدور! مگر شیری را دیده‌اید، که زن و اولاد، ناموس و خاک وطنش را به وسیله امریکائیان نگهداری کند؟! شیر را زمانی شیر توان خواند، که هیچ کس و هیچ جانوری را یارای مقابل شدن با او نباشد، چه رسد به آن که کسی در حریمش همخانه گردد؛ و این درست همان صفتی است، که بزرگمرد نامور شبه قاره هند - علامه اقبال لاهوری (۱۸۷۷ - ۱۹۳۸ع) در شأن پدران و نیاکان دلاور و حماسه آفرین ما گفته است:

سر زمینی کبک او شاهین مزاج

آهوی او گیرد از شیران خراج

در فضایش جره بازان تیز چنگ

لرزه بر تن از نهیب شان پلنگ

رژیم دست‌نشانده کرزی این اسارتنامه را پیمان ستراتیژیک عنوان گذاشته است؛ در حالی که پیمان یا معاهده دو جانبه و چندین جانبه به معنای حقوقی کلمه، همواره میان دو یا چند طرف متساوی الحقوق منعقد می‌گردد. موقوف حقوقی، سیاسی، نظامی و اقتصادی رژیم مزدور و تحمیل شده کرزی را حتماً کودکان مکتب نیز درک می‌کنند. مگر همین کرزی اسیر و ناتوان نبود و نیست، که بنا به فشار زاید الوصف مردم مظلوم ما همواره دم از توقف بمباران‌های خودسرانه، تلاشی‌های شبانه و دستگیری‌های غیر قانونی هموطنان بی‌گناه ما توسط اشغالگران امریکائی و ائتلافی زده، ولی اشغالگران خودسر هیچ‌گاه گفتارش را دو توت ارزش نداده است. هموطنان عزیز ما به خاطر دارند، که کرزی مزدور و سازشکار مدت‌ها قبل به مردم وعده سپرد تا موانع سمیتی در جاده‌ها و خیابانهای شهر

کابل و ولایات را به زودترین فرصت بر طرف سازد، ولی تا حال اثری از به جا آوردن آن وعده دیده نشده است. کرسی بیچاره صد ها بار از موجودیت و عملکرد حکومت موزی مؤسسات غیر حکومتی خارجی (این جی او ها) و کمپنی های امنیتی، استخباراتی و لوژستیک خارجی در پهلوی حکومتش شکوه نموده؛ و گاهگاه از فرط چنین مداخلات و دست درازی های باداران خارجی، مجبور به تضرع و اشک ریزی گردیده، اما با آن هم تا حال جرأت نکرده است تا یک کمپنی فرعونان امریکائی را از فعالیت باز دارد. این را هم همه ما می دانیم، که کرسی سازشکار و بی اراده صد ها بار از عمل قاطعانه در برابر چپاولگران، دزدان و مرتکبین فساد در ادارات دولتی سخن به میان آورده است، اما مردم تا حال هیچ وزیر، معین، سفیر، رئیس و غیره چپاولگران زورمند را در عقب میله های زندان مشاهده نکرده اند. جنایتکاران، زورمندان، قاچاقبران، غارتگران، غاصبان جایداد های شخصی و دولتی و انواع گوناگون زورمندان قانون شکن همه تحت حمایت و پشتیبانی حکومت دست نشانده کرسی، زندگی پُر ناز و نعمتی دارند. فهرست همچو موارد بسیار طولانی است، که در این ایجاز و اختصار نمی توان از همه نام برد. حکومت خاین و وطنفروش کرسی حالا از منافع « پیمان ستراتیژیک » با امریکا حرف می زند؛ حال آن که نمایندگان مزدور و وابسته شان در « لویه دوکه » تا حال مسوده چنین اسارتنامه ننگین استعماری را ملاحظه ننموده اند. چه رسد به این که از طریق وسایل اطلاعات همگانی در دسترس عموم هموطنان قرار گیرد. مگر می شود «نمایندگان» مردم را به مشوره و مباحثه فراخواند، در حالی که خبری از مسوده سند مورد بحث و مشوره، وجود نداشته باشد؟!!

روی این دلیل حکومت پوشالی، خاین و فاسد کرسی نه قصد داشته است؛ و نه به هیچ صورت قادر خواهد بود تا از پذیرش تحمیلنامه فضیحت بار اشغالگران امریکائی سر باز زند؛ زیرا چنین حکومت تحمیل شده و دست نشانده از معاشات و امتیازات مالی گرفته در همه برنامه های سیاسی، نظامی و اقتصادی آن، متکی به نیرو های مهاجم امریکائی و ائتلافی است.

بدیهی است، که مزدوران و جاسوسان سازمان های استخباراتی ایران، پاکستان، روسیه، چین و غیره کشور ها در پارلمان نامنهاد نیز به هیچ وجه قادر نخواهند بود تا از تحمیل چنین اسارتنامه خاینانه اشغالگران امریکائی جلوگیری به عمل آرند. چنانکه در انتخابات « اولسی جرگه » شاهد بدترین خیانت ها، تقلب ها و تخلف ها بوده ایم، تصمیم گیری آن پیرامون اسارتنامه اشغالگران نیز نمی تواند معجزه ای برپا کند. از جنایتکاران، جواسیس و مزدوران نباید تصمیمی راتوقع داشت، که با سرشت دستگیری و گماشتگی شان مطابقت و همخوانی نداشته باشد.

بدین گونه، اسارتنامه ننگین اشغال سرزمین آزاد و سربلند ما بعد از تغییرات سطحی و ظاهری پارلمان نامنهاد و مزدور سرانجام، به امضاء خواهد رسید؛ و حادثه سیاه دیگری در تاریخ شکوه مند این سرزمین پُر افتخار، ثبت خواهد شد؛ امامردم دلاور و حماسه آفرین ما هیچ گاه به این اشغال شرم آور و ظالمانه مهاجمان امریکائی تن در نخواهند داد. همانگونه که پدران و نیاکان بی باک ما همواره تاریخ پُر افتخار شان را با جانفشانی ها و قربانی ها رقم زده اند، فرزندان آزاده، غیور و سلحشور شان نیز سیطره عساکر بیگانه را در میهن عزیز خویش تحمل خواهند کرد.

بدون شک، تحمیل اشغال ظالمانه، جنگ، خون ریزی، تباهی و ویرانگری در کشور را بیش از پیش شدت خواهد بخشید. در شعله های این جنگ خونین و تباهن، خلاف ادعا های وطنفروشان شرف باخته، که داد از منافع لشکرگاه های اسارت بار امریکائی می زنند، صدمات بزرگ و شدید بر پیکر جامعه ما وارد خواهد آمد؛ و حتا این خطه مرد خیز باستانی را در معرض خطر تجزیه و چند پارچگی قرار خواهد داد.

فرزندان خلف شاه شجاع و یعقوب خان و عبدالرحمان خان بعد از سالی چند در صحنه سیاسی مملکت مجال حکمروائی نخواهند داشت؛ ولی میلیونها هموطن رنجدیده ما سالهای سال از خیانت ملی این مزدوران و وطنفروشان غرق در خون و مصیبت خواهند بود؛ اما پیروزی نهائی از مردم آزاد و سربلند ما خواهد بود. چنانکه لشکر های تجاوزگر کوروش و سکندر و چنگیز و پرنگی و شوروی مجبور به ترک اجباری این خاک مرد خیز و تسلیم ناپذیر گردیدند، اشغالگران امریکائی نیز باید بدانند، که امضای این یا آن اسارتنامه با مزدوران دست نشانده شان در کابل، هیچ گاه به معنای اشغال دائمی این مرزوبوم نخواهد بود. افغان های پُرغرور و آزادی پرور ما با قربانی های خویش یک بار دیگر ثابت خواهند ساخت، که سرزمین شان نیستگاه و قبرستان امپراتوری هاست. ناگفته پیداست، که دست یافتن به این آرمان مقدس و والا، پیش از همه مستلزم وحدت و یک پارچگی کلیه نیرو های آزادیخواه و میهن دوست این سرزمین پُر افتخار تاریخی است. همانگونه که مزدوران و جیره خواران گوناگون استعمار به منظور منافع ضد بشری خویش در یک صف واحد جمع شده اند؛ و میراث اجداد غیور و از بند رسته ما را به حراج گذاشته اند، بر مجاهدان راستین و وطندوستان آزاده ما نیز فرض است تا دست به دست هم داده؛ در راه شکست و نابودی این پلان خاینانه اشغالگران بیگانه و مزدوران گوش به فرمان شان، به مبارزه و مجادله برخیزند. افغانستان عزیز، خانه مشترک همه اقوام، قبایل و گروه های نژادی، قومی، مذهبی و لسانی است. قربانی و جانفشانی در راه دفاع از آزادی، استقلال، یک پارچگی و آسایش آن، وجیبه ملی و میهنی فرد فرد ماست. حماسه سرای بزرگ زبان پارسی - حکیم ابوالقاسم فردوسی (۳۲۹ - ۴۱۱ هـ ق) اندر این باب چه زیبا می سراید:

چو کشور نباشد تن من مباد

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

همه سر به سر تن به کشتن دهیم

از آن به که کشور به دشمن دهیم